

خیلواکی



استقلال

www.esteqalaal.net

شنبه ۱۲ اپریل ۲۰۲۵

نویسنده: مرجان کمال

بازنگری و تبصره: حمید انوری

از لابلای کتاب ماندگار "افغانستان در تلاطم تاریخ"

قسمت چهارم

"... حل و فصل نزاع و کشمکش ها در محلات:

در اکثر اشکال اختطاف دختران جوان، برای حل و فصل قضیه سه نوع امکانات وجود دارد: طریقه اول عبارت از یک عکس العمل متقابل می باشد، یعنی خواهر جوان پسر اختطافگر، در عقد ازدواج با یکی از پسران فامیل دختر اختطاف کنند درآید.

طریقه دوم پرداخت غرامت و جبران خساره، با پرداخت پول. طریقه سوم محکوم نمودن جفت یا جوړه: در این طریقه یکی از برادران دختر اختطاف شده، جهت گرفتن انتقام برگزیده شده و وظیفه کشتن مرد جوان اختطافگر را به عهده دارد، دختر جوان لکه دار، بدنام و بی آبرو شده و هیچ وقت عروسی کرده نمی تواند.

طریقه اول و دوم که اکثراً با میانجی یک شخص سوم که اکثراً بزرگ قومی و نمایانگر یک چهره اقتدار منطقه می باشد، تصمیم خود را بالای هر دو طرف تحمیل می نماید، که همانا یا دادن بدل و یا پرداخت پول می باشد.

باید یاد آور شوم که این واقعه یکی از نمونه های از این چنین وقایع در محله بود، که من در آن جا بودم، که در آن جا مکانیزم حل و فصل یک کشمکش و نزاع به صورت سنتی (Traditionnels) مؤثر می باشد.

در واقع در اکثریت محلات به اقتدار بزرگان در اثر تغییر و تبدیل شدن اوضاع سیاسی و اجتماعی، مخصوصاً برخاسته از بروز قوماندان های جهادی مربوط به احزاب مقاومت مسلحانه علیه شوروی ها آسیب وارد گردیده است. و از طرف دیگر این اقتدار در صورتی مؤثر واقع می شود که از جانب هر دو طرف قضیه مورد قبول باشد.

اگر کشمکش ها مربوط به دو منطقه جداگانه باشد، نادر است که حل و فصل بزرگان قومی به نتیجه برسد.

زوج در خانه بزرگ قومی پناه می برد، بزرگ قومی هر دو طرف دعوا را احضار می کند، اگر بالای یکی از طرف ها نفوذ و تسلط نداشته باشد، و مخصوصاً یکی از طرف ها خارج از منطقه باشد، در این صورت، بزرگ قومی برای نجات زوج جوان؛ آن ها را وادار به فرار می نماید، و آن ها را به یک زندگی آواره و سرگردان محکوم می نماید. لاکن در مورد قضیه فامیل که من در آن فامیل برای یک هفته اقامت داشتم، معامله با پرداخت پول و به میانجیگری بزرگان قومی حل گردید..."

روان شاد "مرجان" با بسیار اختصار و بصورت سلیس و عام فهم این جنایت را از نظر رسم و رواج منطقه بیان داشته اند و همین است که است و هیچگاه زور قانون و دست قضا در همچو موارد کارگر نیفتاده و به اصطلاح قانون و قضا هردو زیر پا شده و می شود هنوز...، غافل از اینکه همچو اتفاقات و رخ داد ها، شیرازه چندین فامیل را برای همیشه از هم می پاشد و در حالیکه به گونه ای قضیه را گویا "ماسه مالی" میکنند، اما در اکثر مواقع منجر به بی اعتمادی، مخالفت ها و دشمنی ها گردیده و در اکثر مواقع حق و حقوق مسلم طبقه نسوان کشور، آشکارا زیر پا میگردد که این خود در ذات خویش یک جنایت هولناک بوده و قانون و قضا هم قربانی هوا و هوس یک مشت زورگو و قُلدر جنایت پیشه میگردد و اینهمه ناروا را به حساب "رسم و رواج" گذاشته و به اصطلاح "کلوخ ماندن و از آب گذشتن" است و دیگر هیچ.

امید میرود که از پی آنهمه جنگ و خونریزی و کشتن و بریستن و ...، عاقبت گلیم این "رسم" کثیف از کشور زیبای ما برچیده شود و لااقل در همین یک مورد، حق به حقدار برسد و بازهم در همین یک مورد حقوق حقه زنان و دختران کشور ما به آنها برگردانده شود.

"بدل" دادن یک رواج سخیف بوده است که فقط به منزله "کلوخ ماندن و از آب گذشتن" بوده است که بصورت بسیار غیر انسانی، حقوق حقه بانوان کشور را سخت پامال نموده و مشکلات و مخالفت ها و دشمنی های نسل اندر نسل را بار آورده و یک جنایت عظیم در حق بانوان شریف افغان زمین بوده و است و دگر هیچ.

در مورد "بد دادن" در سایت "ویکی پدیا" چنین آمده است:

{ بد دادن یکی از رسوم مردم افغانستان بوده که در نقاط مختلف این کشور دارای اشکال گوناگون است. بد معمولاً توسط شورا، جرگه و جلسه موی سفیدان محل تطبیق می گردد. بد زمانی به وقوع

می پیوندند که یک مرد افغان مردی را از فامیل افغان دیگر به قتل رسانده باشد یا جرمی بزرگ را در حق کسی نموده باشد [بدین منظور غرض جلوگیری از قتل های دیگر، دختران فامیل خود را به عقد نکاح فامیل مقتول در می آورند؛ که نوعی از بردگی جنسی در افغانستان است .

این سنت پس از جلسه و فیصله موی سفیدان محل در معرض اجرا قرار می گیرد. به طوری که در آغاز، موی سفیدان فامیل قاتل با یک یا چند رأس گوسفند و مقداری پول به خانه مقتول می روند؛ و از آن ها پوزش خواسته تقاضای جرگه را می نمایند. بد پس از شفاعت و پوزش زیاد از موی سفیدان مورد توافق قرار می گیرد. در دهات آن ها که جرگه نمی نمایند به معنی ادامه خونریزی است. این دشمنی ها بعضاً به جنگ های قومی چندین ساله تبدیل گردیده اند. مانند قوم خُدران جاجی و منگل که دشمنی این دو قوم تا هنوز ادامه دارد.

در شهرها بد به خاطر تقلیل معیاد جرم و جلوگیری از قتل دیگر در معرض اجرا قرار می گیرد، زیرا در ین مناطق حاکمیت دولت مستحکم تر است. عده زیادی بد را یکی از میراث های کهن، عدم نارسایی جامعه و یک پدیده ناروا و خلاف کرامت انسانی می پندارند. بعضی بد را سنتی افتخارآمیز می پندارند. ممکن است دختری که به بد داده می شود تا پایان عمر در زیر فشار ظلم، طعنه، اذیت و آزار و مشکلات گوناگون غیرقابل تحمل قرار گیرد. بعضاً قربانی این پدیده ننگین دختران خردسال هستند که از خانواده به اجبار جدا می شوند. بعضی از این گونه دختران یا به زودی می میرند یا از خانه فرار کرده و به دیار نامعلوم می روند.

یکی از این دختران، بی بی عایشه بود که بینی و گوش هایش توسط شوهرش بریده شده بود و در محلی خارج از شهر، رها شده بود. وی توسط نیروهای امریکایی در کوهستان ارزگان پیدا شد و برای درمان ابتدا به کابل و سپس به ایالات متحده انتقال داده شد .

قانون افغانستان

بد به موجب ماده ۵۱۷ قانون جزای افغانستان ۱۹۷۶ یک جرم کیفری است، اما این ماده تنها در صورتی اعمال می شود که بیوه و زن بالای ۱۸ سال تحت Baad قرار گیرند. بر اساس قوانین افغانستان، مجازات مرتکبین بد (یعنی اجبار زن به ازدواج و بردگی از طریق بد) نمی تواند از دو سال زندان تجاوز کند. هیچ یک از بزرگان جرگه یا خانواده ای شناخته نشده است که به خاطر گرفتن یا دادن زن یا دختر به بدی دستگیر یا محاکمه شده باشند. {

این بود مختصری در مورد بد دادن که از سایت ویکی پدیا اقتباس شد.

نظری هم می اندازیم به یک گزارش دیگر در همین مورد:

" جوانان علیه "بد دادن" دختران مبارزه می کنند

خان ولی عادل:

از گذشته ها به این طرف زنان و دختران در افغانستان همواره مورد خشونت های مختلف قرار می گیرند. یکی از این خشونت ها مسئله بد دادن دختران است که از سال ها به این سو در نقاط مختلف با اشکال گوناگون مروج است.

بد دادن دختران معمولاً توسط شورا، جرگه و جلسه مو سفیدان محل تطبیق می گردد.

بد دادن زمانی به وقوع می پیوندد که یک مرد، مردی را از فامیل دیگر به قتل رسانیده باشد یا جرم بزرگ را در حق کسی نموده باشد. بدین منظور غرض جلوگیری از قتل های دیگر دختر خانواده قاتل را به پسر خانواده مقتول که هر قدر تفاوت سنی هم داشته باشند به عقد نکاح در می آورند. این رسم ناپسند در میان برخی از اقوام تا هنوز جریان دارد و دختری که به بد داده می شود از تمامی حقوق خود در خانواده شوهر محروم شده و مورد آزار و اذیت و بی توجهی قرار می گیرد. اینک ریشه بد دادن دختران از کجا آغاز گردیده است، حاجی حاکم یک تن از بزرگان قومی از ولایت پکتیا می گوید که در گذشته به جای بد دادن دختران یک مقدار پول داده می شد اما نتیجه نداد.

وی گفت:

شخصی که کسی را به قتل می رساند یک نفر دیگر فیصله می کرد و از شخص که قتل کرده بود پول می گرفت و او (آن) شخص مطمئن می شد که در بدل قتل پول گرفته شده است و مشکل حل شده است، اما این طور نمی شد و آنها انتقام خود را می گرفتند و یکی از افراد خانواده را به قتل می رسانند و پول را دوباره به او خانواده روان می کردند و بعد از آن مردم، بزرگان و ریش سفیدان قریه جمع شده گفتند که باید این دشمنی به شکلی دیگری به دوستی تبدیل شود و بعد از آن در بدل قتل بد دادن دختران رواج پیدا کرد.

بد دادن دختران نه تنها در ولایات دور دست، بلکه در ولسوالی های کابل نیز رواج داشته و یکی از عنعنات ناپسند و انواع خشونت در برابر دختران و زنان در این کشور به حساب می آید.

دختران اکثراً به خاطر قضایای چون قتل، تجاوز جنسی و حتی فرار از منزل که از سوی اقارب شان صورت می گیرد به بد داده می شوند و در بیشتر موارد دخترانی که به بد داده می شوند راضی نیستند و خانواده مقتول رفتار بسیار زشتی با چنین نو عروسان دارند. در این مورد تعدادی از جوانان چشم دید های غم انگیز خود را چنین قصه کرده اند:

"بنفشه محصل یکی از پوهنتون های خصوصی استم. یک بچه یک نفر را کشته بود باز خواهر آنرا نظر به فیصله موسفیدان قریه به جای خون گرفتن، خواهر آن بچه را به بد دادند بعد از آن بالای دختر ظلم و ستم کرده می گفتند که وقتی ترا می بینیم او بچه کشته شده یاد ما می آید، بدتر بالایش ظلم می کردند حتی چند بار دختر خواسته بود که خود کشی کند و زمانیکه شکایت خود را به خانواده خود رسانده آنها هم گفتند اگر تو را دوباره به خانه بیارم شاید برادرت را بکشند."

قاری احمد باشند ولایت کابل. بچه خاله قتل کرده بود و در اثر جرگه فیصله شد که باید از خانواده مقتول دختر بگیرند، باز آن ها سه دختر را به بد دادند حالی زندگی او دختر به حد آخر خراب است. ویدا محصل پوهنتون تعلیم و تربیه کابل. یک دختر برادرش نفری را به قتل می رساند و در مقابل نفر دیگر "این دختر به بد داده میشه و رضایت خود دختر هم نمی باشد. این دختر هر روز از طرف خانواده شکنجه می شد و در آخر هم به یک شخص روانی مبدل گردید."

ایستادگی در برابر رسم به «بد دادن» دختر در افغانستان کار ساده ای نیست اما خان ولی عادل جوانی از ولایت پکتیا از قبول چنین رسمی که در خانواده اش حاکم بوده سر باز زده و از چند مدت به این سو در شهر کابل خیمه تحصن برپا کرده است.

وی که نخواست تا زنان و دختران قربانی جهل و خرافات شوند و به خواهرانش اجازه درس خواندن داده شود از طرف فامیل، علما و ریش سفیدان منطقه دیوانه خطاب شده و از منطقه رانده شده است، اما خان ولی عادل می گوید: برای مبارزه با خرافات حاضر است جانش را فدا کند. او قصه خود را چنین حکایت کرد:

زنان و دختران در بعضی جا ها مانند برده زندگی می کنند، حق تصمیم گرفتن و تحصیل را ندارند. مه از خانواده خود شروع کردم که این مشکلات و بد دادن در آن وجود دارد، اما من با مخالفت های غیر واقعی قریه روبرو شدم مرا تکفیر کردن که این آدم کافر شده و همه تصمیم گرفتن که این آدم دیوانه شده و به موافقه همه از منطقه مرا کشیدن و عکس العمل شان خیلی شدید بود حتا تا مرز کشتن بود که مرا از بین ببرند.

در خانه اکثر ما کنیز وجود دارد مه نمی خواستم که خواهرم کنیز کسی دیگر باشد و نمی خواستم خواهر کسی دیگر که انسان است کنیز در فامیل ما باشد. و بالاخره مه صدای هزاران دختر جوان را بلند کردیم و انشاالله جلو این خرافات را می گیریم.

دختران نباید قربانی اشتباهاتی شوند که دیگران انجام می دهند این سخنان در پشت خیمه تحصن خان ولی عادل نوشته شده بود و یکی از خواست هایش از علمای دین هم این بود که نباید نکاح دخترانی که بد داده می شوند را بسته کنند.

سعید الرحمن احساس استاد ثقافت اسلامی پوهنتون پولی تخنیک کابل می گوید: نکاح عقد است و اگر آن عقد رضای دو طرف نباشد و نکاح جبری باشد حرام است. و شریعت هم عوض بد را تعیین کرده کسی که زخم بوجود آورده، کسی که قتل کرده جزایش معلوم است حال که موسفید ها و علمای محاکم غیر قانونی که وجود دارد جزا به کسی می دهند که او اصلاً در آن جرم دست ندارد و آنرا (او را) به بد می دهند که این کار نامشروع است

ولی محمد خاخی یک ملک ولسوالی آریوب خاخی ولایت پکتیا می گوید: با آنکه این رسم و رواج بد دادن دختران از گذشته باقی مانده است و تلاش ها هم صورت گرفته بود که به جای دختر مقدار پولی داده شود که نتیجه نداد اما حال با دایر کردن جرگه ها در این ولایت در مقابل بد دادن دختران زمین می دهند که این ارقام تا پنجاه درصد پایین آمده است. وی گفت:

"در برخی جا ها اگر کسی جرمی را مرتکب می شود به جای یک دختر دو یا سه دختر آن خانواده را به بد می گیرند و او دختر هم که به آن خانواده می رود به نظر بد دیده شده و مورد لت و کوب و اذیت قرار می گیرند چرا که به بد گرفته بودند.

و دختری که در آن خانواده به بد گرفته شده همیشه طعنه داده می شود برایش که تو را به بد گرفتیم و تمام فشار و ظلم را بالای آن روا میداشته اند حتا که دختران نام پدر و مادر و خانواده خود را هم به زبان آورده نمی توانست به همین سبب زیادتیر دختران هم خود را از بین بردند بالاخره مردم مجبور شده اند و فهمیده اند که این یک رواج ناپسند است باید این رسم و رواج از بین برود.

در این مورد بزرگان قوم با مردم یکجا شده اند تا فیصله شود که دیگر بالای دختران ظلم صورت نگیرد و به جای دختر، زمین داده شود چرا که در ولایات زمین حیثیت ناموس را دارد و زمین هم که به جای دختر داده می شود مانند اینست که یک دختر را در بدل داده باشند و آنرا قبول کرده اند و روی آن کار شد و تقریباً پنجاه درصد این رسم و رواج از بین رفته است.

آقای خاخی از مبارزه خان ولی عادل در مقابل رواج های ناپسند ستایش نموده گفت: که آنها نیز برای محو این پدیده کمیته جوانان را در ولایت پکتیا ایجاد کرده اند نه تنها روی مسئله بد دادن دختران بلکه روی سایر رواج های ناپسند به خصوص پایین آوردن طویانه هم مبارزه را آغاز کرده

اند.

ما در ولایت پکتیا و قریه جات و ولسوالی خاخی کمیته جوانان را توسط جوانان ایجاد کردیم و جوانان میخواهند در مقابل آن همه رواج های ناپسند که درد سر شده و مردم را به مشکل مواجه ساخته به خصوص در قریه ما در مورد طویانه یک تصمیم گرفته اند که بعد از این از دولک طویانه بلند نباشد چرا که در مناطق پشتون نیشین طویانه تا پنج لک شروع تا ده لک گرفته می شد و یک نوع رواج هم شده بود که نتیجه خوبی هم نداشت و همه با هم یک دست شده و در مقابل این همه رسم و عنعنات ناپسند مبارزه را آغاز کردیم و همچنان جوانان روی اسراف و دیگر رواج های ناپسند کار می کنند تا این رواج های ناپسند به همیش از بین برود.

به گفته خان ولی عادل اگر مبارزه صادقانه باشد یک روز رنگ و بوی خوبی خواهد گرفت."

(به نقل از: رادیو آزادی)